

بررسی و تحلیل شاخصه‌های علم دینی در اندیشه شهید صدر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۹/۱۸

سیدمهدی سلطانی رنانی*

چکیده

از جمله اندیشمندان معاصر اسلام که دغدغه فراوانی درباره علم دینی داشته و در تفکر خویش با نوآوری خاص، بدان موضوع توجه ویژه نشان داده است، شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر* است. مسئله علم دینی به‌ویژه علوم انسانی اسلامی از مهم‌ترین آرا و نوآوری‌های شهید صدر است که به‌خوبی رسالت اسلام را فراتر از کشف پدیده‌های عینی و خارجی و روابط بین آنها دانسته است. شهید صدر معتقد است علم تا زمانی که جنبه توصیفی محض داشته باشد، فقط بیانگر واقعیت‌های خارجی و تجربی در حال وقوع یا واقع شده قبلی است و متصف به اسلامی و غیر اسلامی نمی‌شود؛ اما اگر ابعاد و عرصه‌های متفاوت جامعه‌ای بر اساس مذهب اسلام تحقق عینی یافت، اندیشمندان می‌توانند از زوایای مختلف درباره آن جامعه مطالعه و تحقیق نموده، پدیده‌ها، روابط عینی بین آنها و آثار و نتایجشان را کشف و تبیین کنند.

* استادیار دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید باهنر اصفهان. smahdi.soltani224@gmail.com



دانش حاصل از ماهیت و چگونگی این پدیده‌ها و تحلیل چنین جامعه‌ای، علم دینی است که در واقع به توصیف و تبیین پدیده‌ها و روابط بین آنها در جامعه اسلامی می‌پردازد. مفهوم‌شناسی علم دینی و بیان شاخصه‌های آن با رویکرد انتقادی و به روش توصیفی - تحلیلی در اندیشه شهید صدر و با اشاره به نوآوری‌های وی و نیز بیان نقاط قوت و ضعف نظریه‌پردازی او در این موضوع از رسالت‌های پژوهشی این مقاله است.

واژگان کلیدی: دین، علم دینی، شاخصه‌های علم دینی، اکتشاف، شهید صدر.

طرح مسئله

از جمله تفاوت‌های بنیادی انسان با دیگر مخلوقات خداوند، امکان دست‌یابی وی به نیروی آگاهی و برخوردارگی از علم و دانش، قدرت توسعه و کمال‌بخشی به آن است (صدرالمتألهین، ۱۳۶۸، ج ۵، ص ۳۴۷). کمال و توسعه دانش و علوم بشری نیز گاهی در قالب افزودن اجزای تازه به مجموعه دانشی (کوهن، ۱۳۶۹، ص ۱۷ - ۱۸) و گاه با تغییر و دگرگونی اساسی در اصول بنیادین و پیش‌فرض‌های زمینه‌ای آن علوم حاصل می‌شود که ممکن است دستاوردهای آن کاملاً متفاوت و حتی متناقض و ناسازگار با دانسته‌های قبلی باشد (ریترز، ۱۳۷۴، ص ۶۳۰ - ۶۳۱ / حسامی، ۱۳۹۰، ص ۶). بحث و بررسی درباره علم دینی از جمله مسائلی است که مبتنی بر پیش‌فرض مذکور و بر اساس جهان‌بینی خاص خود، در بردارنده مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و ارزش‌شناختی برآمده از معارف اسلامی می‌باشد. بر این اساس علم امری است روش‌مند و برخوردار از مدل‌هایی قابل اکتشاف و نظریه‌پردازی که علم دینی از جمله آنهاست و شهید صدر از معدود



اندیشمندانی است که در دوران معاصر کوشیده است نوعی نظریه‌پردازی اکتشافی را برای آن در پاره‌ای از علوم انسانی مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی و تاریخ ارائه دهد. از دیدگاه او علم دینی یک منظومه معرفتی درباره جهان واقع خواهد بود که فهم آن، مستلزم تحقیق در مبانی فلسفی و معرفت‌شناختی علم و مبانی متقن دین‌شناختی است که با روش‌شناسی موضوعی یا واقع‌گرا می‌توان بدان دست یافت (صدر، ۱۴۱۰ق، ج، ص ۲۸ - ۴۱) و کارویژه علم در این عرصه، به عنوان یکی از جلوه‌های مهم عقلانیت بشری، تأمین‌کننده معرفت انسانی و بیانگر نسبت عقل و دین می‌باشد (سلطانی رنایی، ۱۳۹۷، ص ۲).

مقاله حاضر با هدف بررسی دیدگاه شهید سیدمحمدباقر صدر^ع در زمینه علم دینی و شاخصه‌های آن، به امید کشف پهنه‌های جدید و گشودن افق‌های نو در این حوزه به رشته تحریر درآمده است. مهم‌ترین سؤالات بنیادی در آن عبارت است از:

- مفهوم علم، دین و اکتشاف به مثابه مفاهیم کلیدی در نظریه علم دینی از دیدگاه شهید صدر چیست؟

- مقصود از علم دینی در اندیشه شهید صدر چیست و چه شاخصه‌هایی دارد؟

- نوآوری‌های شهید صدر و به عبارتی دیگر نقاط قوت و ضعف وی در ارائه و تبیین نظریه

علم دینی چیست؟

اطلاعات لازم در تحقیق و مقاله را با مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری نموده‌ایم و با

رویکرد انتقادی به بررسی موضوع و تجزیه و تحلیل آن پرداخته‌ایم؛ لذا روش تحقیق در

این مقاله توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر رویکرد انتقادی است.

فرضیه تحقیق

گرچه شهید صدر در دوران خود، الگویی ابداعی و برخوردار از نوآوری و ابتکار و نیز



بار ارزشی در برخی عرصه‌های علمی مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی و تاریخ در نظریه علم دینی ارائه نمود، ولی به جهت اتکا بر برخی مفروضات نادقیق و به دلیل نادیده‌گرفتن برخی مراحل لازم برای اکتشاف نظریه اسلامی در این خصوص مثل ضوابط، قواعد و مقاصد اسلامی، نمی‌تواند یک الگوی موجه و معیار محسوب گردد.

پیشینه تحقیق

زمینه‌های تحقیق پیش رو را می‌توان در مباحث گوناگون فلسفی و تفسیری پی گرفت و مشاهده کرد. در منابع ذیل که مهم‌ترین دیدگاه‌های شهید صدر در موضوع علم دینی در آنها ذکر گردیده، می‌توان به چیستی و شاخصه‌های علم دینی در بیان وی دست یافت:

کتاب‌هایی چون: **اقتصادنا، المدرسة الاسلامیة و المدرسة القرآنیة** از شهید سیدمحمدباقر صدر؛ **مبانی علوم انسانی اسلامی و روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی** از احمدحسین شریفی؛ **هویت علم دینی** از خسرو باقری؛ **از علم سکولار تا علم دینی** از مهدی گلشنی؛ **رابطه علم و دین** از محمدتقی مصباح یزدی.

مقالاتی چون: «مقایسه روش‌شناسی شهید صدر و ایزوتسو در جهت ارائه الگویی روش‌شناختی درباره کشف نظریه قرآن» از حسن یوسف‌زاده و محمدعلی نظری؛ «الشهید محمد باقر الصدر من فقه الاحکام الی فقه النظریات» از صائب عبدالحمید؛ «اندیشه اقتصاد اسلامی و روش کشف آن از دیدگاه شهید صدر» از سیدکاظم حائری و احمدعلی یوسفی؛ «راهکار شهید صدر برای اسلامی‌سازی علوم» از عبدالحسین خسروپناه؛ «روش نظریه‌پردازی اسلامی در علوم انسانی از منظر شهید صدر» از احمدحسین شریفی؛ «تبیین و تحلیل علم دینی از دیدگاه شهید صدر» از فاضل حسامی؛ «بررسی دیدگاه‌ها درباره چیستی علم دینی» از علی ربانی گلپایگانی.



مباحث تازه در این حوزه علمی و تخصصی و امدادار اشاره‌ها و نکته‌هایی است که به خوبی حقیقت موضوع را روشن نموده و دریچه‌هایی نواز پژوهش‌های مفید و کاربردی را به روی محققان می‌گشاید. ارائه منسجم و بنیادی مفهوم و شاخصه‌های علم دینی از دیدگاه شهید صدر مبتنی بر نکات کاربردی و تحلیلی مطلوب و نیز اشاره به رویکردهای جدید و نقاط قوت و ضعف شهید صدر در موضوع مذکور از خلأهای مهم در آثار مذکور و از نوآوری‌های شکلی و محتوایی این مقاله است.

مفاهیم محوری

علم: معنای اصلی و نخستین آن، دانستن در برابر ندانستن است. در معنای دیگر، علم منحصرأ به دانستنی‌هایی اطلاق می‌گردد که به تجربه مستقیم حسی مبتنی‌اند و آزمون‌پذیرند. در اصطلاح، علم را می‌توان مجموعه فعالیت‌های منظم و منسجمی دانست که به کمک آن واقعیت‌های جهان خارج در کنار هم نهاده می‌شوند (دلاور، ۱۳۷۸، ص ۳/ بهنیافر، ۱۳۸۸، ص ۳).

از نظر سیدمحمدباقر صدر علم مجموعه‌ای از گزاره‌هاست که حکایت از واقعیت‌ها و رخدادهای خارجی دارد. در حقیقت علم، عینیت‌های خارجی را توصیف و ارتباط بین آنها را آشکار می‌کند تا بتواند آنها را تبیین نماید (صدر، ۱۴۰۸، ص ۲۸). او علم را حاصل تلاش‌های انسان برای پاسخ به پرسش‌هایی می‌داند که انسان‌ها درباره پدیده‌های عینی و خارجی در شرایط فعلی و حال دارند تا بتوانند آنها را توصیف و تحلیل کنند (همو، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۱۱۲). علامه شهید صدر به روش تجربی محض انتقاد نموده و معتقد است اگر علم صرفاً در روش تجزیه محدود شود، به مشاهده قطعات مجزای واقعیت‌های عینی و محسوس تقلیل می‌یابد که به تعمیم نمی‌رسد و نمی‌توان قانون آن را به دست آورد.



به اعتقاد وی دستاوردهای علوم تجربی اعم از علوم طبیعی و علوم انسانی حاصل تلاقی و همکاری مشاهدات خارجی دانشمندان و مبانی فلسفی و منطقی آنان بوده است (ر.ک: صدر، ۱۴۰۳ق، ص ۱۶ و ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۲۲ / حسامی، ۱۳۹۰، ص ۱۶-۱۷). همچنین شهید صدر علم را وسیله می‌داند نه هدف و غایت. او برای هیچ یک از علوم بشری اصالت قایل نیست و به همه آنها نگاه ابزاری دارد. وی با وجود آنکه خود یک نظریه‌پرداز در حوزه اصول فقه است، تأکید می‌کند که مباحث این علم همانند سایر علوم به خودی خود اصالت ندارد؛ چنان‌که مباحث و موضوعات فقهی اصالت ندارد. از نظر شهید صدر همه علوم اعم از معارف اسلامی و علوم بشری آن‌گاه مفید خواهند بود که در مسیر شناخت اسلام، خدمت به اسلام و مسلمانان باشد (صدر، ۱۴۲۸، ص ۲۳-۲۵).

دین: در تعریف عام، دین را می‌توان مجموعه‌ای اعم از عقاید، اخلاق، فقه الهی و غیر الهی دانست. در این معنا مراد از دین مکتبی است با مجموعه‌ای از مقررات اجرایی، عقاید و اخلاق که به منظور راهنمایی انسان در مسیر سعادت مندی ارائه شده است. بنا بر چنین ملاحظه‌ای دین به دو بخش بشری و الهی تقسیم شده و عنوان دین، قابل اطلاق بر مکاتب غیر الهی نیز می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ص ۲۴). در تعریف خاص، دین عبارت از مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، حقوق و فقه الهی است که فرایندهای نظری و عملی را با مشاهدات باطنی، ادراک و آن را تجربه دینی قلمداد می‌کند. این معنا، مترادف با دین حق است که از جانب خداوند نازل شده است و به صورت حکمت عملی و نظری ارائه می‌شود (همو، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵ / سلطانی رنانی، ۱۳۹۷، ص ۴).

بنابراین حقیقت دین عبارت است از آموزه‌های بیانگر براینند جزایی بینش‌ها و منش‌ها و کنش‌های دنیوی، به گونه‌ای که سعادت و نجات انسان را تأمین کند. اگر این تبیین به حق



تعالی مستند شود، دین حق و الهی و در غیر این صورت، دین باطل و غیر الهی به شمار می‌آید (خسروپناه، ۱۳۹۰، گفتار هفتم).

شهید صدر از جمله اندیشمندانی است که در هیچ یک از آثار خود به تعریف مبسوط از دین نمی‌پردازد. در نظر وی دین دارای مفهوم و تعریفی کاملاً روشن است. او دین را «ایمان به خدا، پیامبرش و آنچه به وسیله او فرستاده و تسلیم در برابر این اصول» می‌داند. درحقیقت دین در نگاه شهید صدر مجموعه‌ای از عقاید مربوط به وجود و احدیت خالق (مرسل)، عقیده به رسالت پیامبر (رسول) و نیز عقیده و عمل به آنچه پیامبر اسلام (رسالت) آورده است، می‌باشد که مجموعاً مشتمل بر عقاید و باورها، احکام و اخلاق می‌گردد (صدر، ۱۴۰۳ق، ص ۷-۸). نکات دیگری که از تعریف و جایگاه دین در بیان و عقیده شهید صدر می‌توان استنباط و تبیین نمود چنین است:

در نگاه شهید صدر دین مجموعه‌ای از عقاید، باورها و احکام است که وظیفه تنظیم رابطه انسان با خود، خدا، طبیعت و هم‌نوعان را دارد؛ چون آدمی دائماً در حال انجام‌دادن اعمال و رفتارهای ذهنی و عینی در عرصه‌های فردی و اجتماعی است، همه سلوک آدمی به نوعی با دین مرتبط می‌شود (خسروپناه و دیگران، ۱۳۹۲، الف، ص ۲۶۱).

مسئله دیگر در موضوع دین، بررسی تغییر پیامبران است که معلول چند دلیل می‌باشد: اول، به پایان رسیدن اهداف ازپیش تعیین شده برای یک دین و پیامبر آن و نبودن چشم‌انداز دیگر برای آن و در نتیجه نداشتن موضع معین و مشخص درباره حوادث پیش رو که در این صورت گفته می‌شود عمر آن دین پایان می‌یابد. دوم، آنکه پس از فوت پیامبر یک دین، میراث دینی اش نیز تحریف شده و به گمراهی کشیده می‌شود. در نتیجه آن دین باقی نمی‌ماند و به انتها می‌رسد. سوم، ویژگی‌های شخصی و شخصیتی پیامبر یک دین که به



چه میزان توان دریافت معارف الهی را داشته باشد که متناسب با آن توانمندی‌ها، قلمرو مخاطبان آن تعیین شود. چهارم، دگرگونی در انسان‌هایی است که مخاطب پیامبر هستند؛ یعنی انسان‌ها تدریجاً به مرحله‌ای از رشد و کمال رسیده باشند که آیین و شریعت موجود توانایی اقناع آنها را نداشته باشد و نتواند نیازهای ضروری آنها را مرتفع کند. در این صورت نیز دین تاب مقاومت خود را از دست داده، عمرش به پایان می‌رسد (صدر، ۱۴۲۷ق، صص ۱۹ و ۲۳-۲۴ / حسامی، ۱۳۹۰، صص ۱۸-۱۹ / خسروپناه، ۱۳۹۶، صص ۵-۶).

همه ادیان دارای سه محور اساسی اند: اول، توحید که مشترک بین همه ادیان آسمانی و بیان رابطه انسان با خدای واحد است. دوم، پیامبری و قابلیت پیامبر برای پذیرش و حمل آن دین و ایجاد آمادگی‌های لازم در پیامبر آن دین است و سوم، روابط انسان‌ها با یکدیگر و قواعد بهره‌کشی انسان از طبیعت است.

دین اسلام قلمرو وسیعی را شامل می‌شود و نمی‌توان آن را به قلمروهای خاصی تقلیل داد. نیز تنها دین و نظامی که می‌تواند برای همیشه بشر را از ظلم فراگیر رهایی بخشد، دین اسلام و نظام اسلامی است؛ زیرا فقط اسلام است که توانسته است بین عقاید و شریعتش انسجام و هماهنگی برقرار کند و مسلمانان بر این باورند احکام اسلامی و شریعت، منشأ وحیانی و قدسی دارند (خسروپناه و دیگران، ۱۳۹۲، صص ۵۹-۶۱). نظام اسلامی می‌تواند بین جنبه روحانی و مادی انسان انسجام و ارتباط برقرار کند؛ همچنین این نظام به سوی تشکیل امت واحده مسلمانان و رهایی آنان از سلطه بیگانگان جهت‌گیری می‌شود و می‌کوشد امت اسلامی را از بند کفار و استعمار رها نگه دارد (صدر، ۱۴۲۸ق، صص ۱۰۰-۱۰۱ و ۱۳۸۲، صص ۱۴۱، بحث حول الولایه).

اسلام عقیده‌ای است که از حیات اجتماعی متمایز نمی‌شود، بلکه دارای اصول و



قواعدی است که آثار و جلوه‌های آن در شئون متفاوت زندگی فردی و اجتماعی انسان جلوه‌گر می‌شود و طراحی ایدئولوژی انقلاب اسلامی در ایران، یکی از جلوه‌های آن است (همو، ۱۴۲۹ق، ص ۳۲/ حسامی، ۱۳۹۰، ص ۲۳/ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۱۸).

روش اکتشاف

شهید صدر روش‌های دست‌یابی به نظریه را دو نوع می‌داند: روش ابداعی، تکوینی یا تولیدی که آن را حرکت از زیربنا به روبنا می‌داند و روش اکتشافی یا استنباطی که از آن به حرکت از روبنا به سوی کشف زیربنا یاد می‌کند (صدر، ۱۴۱۰ق، الف، ۳۶۷ - ۳۶۸). وی روش ابداعی را حرکت طبیعی نظریه‌پردازی می‌داند که حرکت از مبانی به سوی احکام است؛ اما روش اکتشافی را حرکت از احکام به سوی کشف و استخراج مبانی تعریف می‌کند؛ در عین حال معتقد است در نظام معرفتی اسلام، امکان نظریه‌تولیدی نیست و همه نظریه‌ها از سنخ نظریه‌های اکتشافی و استنباطی‌اند (همان، ص ۳۶۹ - ۳۷۱/ شریفی، ۱۳۹۷، ص ۹).

علم دینی و شاخصه‌های آن

در هر موضوعی که علمی تحقق می‌یابد، اگر آن علم، اولاً بر مبانی معتبر فلسفی (به‌ویژه نگرش توحیدی و لوازم فلسفی آن) تکیه کرده، ثانیاً از منابع معرفتی پذیرفته از نظر اسلام (عقل و نقل) استفاده کرده باشد، ثالثاً در راستای غایت‌های مورد نظر اسلام باشد، آن علم یک «علم دینی» است (سوزنجی، ۱۳۹۲، ص ۹۹). طبیعی است چنین علمی در مجموع توسط افرادی به دست می‌آید که نه تنها از دغدغه‌های علمی و مواد معرفتی لازم برخوردارند، بلکه کم‌وبیش به اخلاقیات پایبندند و در مسیر خودسازی و معنویت گام بر



می‌دارند. شهید صدر برای ارائه و طرح نظریه علم دینی، ابتدا به فلسفه اسلامی توجه نموده، به استخراج، تبیین و تحلیل مبانی و مقدمات فلسفی و نظری آن می‌پردازد؛ سپس با توجه به علوم اجتماعی به معنای عام آن، از اقتصاد اسلامی آغاز نموده، ضمن مقایسه جایگاه و مفهوم علم دینی در مکاتبی چون کمونیسسم، لیبرالیسم و اسلام نشان می‌دهد اسلام به دلیل برخورداری از خاستگاه و حیانی و الهی دربرگیرنده اصول کلی و زیرساخت‌های کلان است و نیز توجه دقیق و تفصیلی به انواع عقود اسلامی و تبیین احکام هر یک از آنها دارد. او معتقد است: «جز مکتب عالی اسلام که اساس آن تسلیم مطلق در برابر خدا و قوانین خدایی بوده است، دیگر مکتبی وجود ندارد. آموزه‌های این مکتب را باید همچون نظامی هماهنگ، هم‌بسته و جامع مبتنی بر بنیان‌های محکم با پشتوانه منطقی ارائه کرد که با نیازمندی‌های زمانه هماهنگ و متناسب باشد» (صدر، [بی‌تا]، ص ۱۱۲).

اسلام در پرتو جامعیت و جاودانگی خود و به دلیل تطابق احکام و آموزه‌های آن با فطرت الهی می‌تواند پاسخگوی همه نیازهای فردی و اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بشر در هر عصری باشد. شهید صدر با تکیه بر ذهن فعال و گرفتن یافته‌های ذهنی خود از محیط اجتماعی اطرافش و نیز با کمک معارف دینی و اسلامی، گزاره‌های فلسفی و قواعد منطقی، نظریه علم دینی را طراحی نموده و ارائه می‌دهد که برای همه زمان‌ها و مکان‌ها پاسخگو می‌باشد. در نظام فکری و اندیشه‌ای او علم دینی، از لحاظ مفهوم و شاخص دارای ویژگی‌ها و مشخصه‌های ذیل است:

پایه‌ها و مبانی علم دینی مبتنی بر داده‌های دینی و قالب و محتوای آن متکی بر معارف و حیانی و سنت معصومان علیهم‌السلام و فراتر از خصلت‌های زمانی و مکانی است (همو، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۴).



مفهوم علم دینی مبتنی بر روش اکتشافی است و مقصود از مفهوم، معنای مصطلح آن نیست؛ بلکه هر تصویری از اسلام و داده‌های علمی را که ناظر بر تفسیر امری هستی‌شناختی، اجتماعی یا تشریحی باشد، در بر می‌گیرد. مفاهیم اسلامی در تبیین اصطلاحی علم دینی در نگاه شهید صدر، همان «بینش‌های اسلامی» و «آموزه‌ها و معارف بنیادین اسلامی» هستند (همو، ۱۴۱۰ق، الف، ص ۳۷۴ - ۳۷۸) که در بردارنده رویکردها و دیدگاه‌های اسلامی درباره تفسیر هستی و پدیده‌های آن یا اجتماعی و روابط آن یا هر یک از احکام شرعی است (همان/ شریفی، ۱۳۹۷، ۱۰-۱۱).

نگاه شهید صدر به آموزه‌های اسلامی در نظریه علم دینی نگاهی سیستمی است؛ بدین معنا که آموزه‌های اسلامی یک کل منسجم و متجانس‌اند. اگرچه ظاهر احکام و هنجارهای اسلامی، جدا از هم و منفرد می‌نمایند، در واقع دارای انسجام و هماهنگی کاملی هستند؛ برای نمونه مجموعه ارزش‌ها و احکام اسلامی در حوزه‌های اقتصاد در تعدادی اصول تجسم می‌یابد که به آنها «اصول مکتب اقتصادی اسلام» گفته می‌شود؛ همان طور که مجموعه احکام و ارزش‌های اسلامی ناظر به جامعه در چند اصل تجسم می‌یابند که «اصول مکتب اجتماعی اسلام» را تعیین می‌کنند (شریفی، ۱۳۹۷، ص ۱۱).

شهید صدر توانست بین علوم متفاوت و روش‌های هر یک از آنها تمایز قایل شود. به همین جهت تمایز بین علم و دین را به خوبی فهمید و بر اساس همین تمایز تلاش کرد نظریه خود را در باب رابطه علم و دین و سپس نظریه علم دینی طراحی کند.

علم دینی به‌ویژه علوم انسانی اسلامی نزد شهید صدر صرفاً عهده‌دار توصیف رخدادهای بیرونی نیست. وی معتقد است چون اسلام به دنبال ایجاد تغییرات اساسی و بنیادین در همه زوایای فردی و اجتماعی به منظور سلامت فراگیر جامعه و رستگاری ابدی



انسان است، رسالت علوم انسانی نیز صرفاً بیان محض واقعیت‌های خارجی نمی‌تواند باشد. بنابراین می‌توان اذعان نمود نظریه علم دینی شهید صدر در همه حوزه‌های علوم جریان دارد (صدر، ۱۴۰۸ق، ص ۳۳۱/حسامی، ۱۳۹۰، ص ۲۶).

تعیین مبادی و خطوط کلی به منظور تعیین راه رسم ایجاد «علم دینی» مسئله و شاخص مهم دیگر در بیان این نظریه از منظر شهید صدر است. این امر مستلزم طراحی نظریه‌ای کلان و کلی است که همه ابعاد حیات بشری را شامل شود. چون تعیین این خطوط کلان و راه و رسم‌ها در توان علمی نیست، مذهب و مکتب و فلسفه آن علم ضرورت خود را نشان می‌دهد تا بتواند بر اساس ایدئولوژی مورد نظر خود، خطوط را طراحی و چارچوب نظری و مفهومی و ارتباط بین آنها را مشخص کند (صدر، ۱۴۲۹ق، ص ۱۴۱). بدین منظور باید بین علم و اسلام به عنوان مکتب تفکیک قایل شد؛ بدین معنا که علم را ناظر به واقعیت‌ها و هست‌ها و اسلام را به عنوان یک مکتب ناظر به هنجارها و باید‌ها دانست (صدر، ۱۴۱۰ق، الف، ص ۳۱۱-۳۱۵). در این تبیین، مکتب قطب‌نمایی است که راه را نشان می‌دهد؛ نوع نگرش فرد و جامعه به عالم و آدم را مشخص می‌کند؛ نوع نگاه افراد به اندیشه و فکر را جهت می‌دهد و مقیاسی عام برای تنظیم زندگی است. این همان رسالتی است که اسلام به مثابه یک دین عهده‌دار است و موضوع محوری آن هدایت انسان‌ها و نشان دادن راه و رسم عبودیت و بندگی خدا و دست‌یابی به کمال مطلوب و در یک کلام، ایجاد دگرگونی‌های عمیق و ریشه‌دار و نیز ماندگار در عمق جان و درک انسان‌هاست. استلزام چنین دگرگونی عمیق و جهت‌دار نیز آن است که شرایط واقعی درباره انسان به طور دقیق ملاحظه و بررسی شود و علم این رسالت را بر عهده دارد؛ یعنی مطالعه شرایط پیرامونی حیات آدمی و کشف روابطی که بین پدیده‌های مختلف در اطراف انسان



وجود دارد تا بتواند تغییرات لازم را در آنها و روابطشان ایجاد کند و زمینه هدایت و رستگاری انسان‌ها را فراهم نماید. بنابراین تفکیک اسلام و علم به معنای بیگانگی یا تعارض آنها نیست، بلکه به نوعی تقسیم حوزه وظیفه و عمل است. هدف و غایت در علم و دین، نقطه تلاقی این دو است (همو، ۱۴۰۸ق، ص ۳۱۲) و رسالت و وظیفه هر علمی در هر حوزه‌ای متأخر از مبانی و ایدئولوژی حاکم بر عالم و علم است. در جامعه اسلامی نیز اگر قرار باشد علم دینی تولید شود، ابتدا باید جامعه‌ای بر اساس اسلام شکل بگیرد. سپس متفکران و پژوهشگرانی که با مبانی تفکر اسلامی آشنا هستند، به تولید علوم دینی و اسلامی اقدام کنند (همان، ص ۳۱۳ - ۳۱۵ و ۱۴۱۰ق، ب، ص ۱۲۷ - ۱۲۴ / حسامی، ۱۳۹۰، ص ۳۱).

شهید صدر بر روش اجتهادی در کشف و استخراج حقایق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و مدیریتی و امثال آن به مثابه داده‌های علمی از متون دینی تأکید می‌کند و معتقد است هرگز با آموزه‌های کلی و تفسیرناشده دینی نمی‌توان نظامات گوناگون اقتصادی، مدیریتی، اجتماعی و سیاسی را بیان کرد. افزون بر آگاهی از نیازهای اساسی انسان جدید، لازم است با توسعه روش اجتهادی در همه عرصه‌های مطالعات دینی، مکاتب و نظامات اسلامی را در حوزه‌های مختلف استخراج و عرضه نمود (صدر، ۱۳۷۴، ص ۳۲ و ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۳۰ - ۵۷ / شریفی، ۱۳۹۳، ص ۳۹).

مسئله و شاخص دیگر در بحث علم دینی از منظر شهید صدر جایگاه موضوع «منطقه الفراغ» است که بیانگر دو معناست: اولاً محقق و مطالعات اسلامی باید بدانند که احکام و دستورالعمل‌های اسلام شامل احکام ثابت و احکام متغیر است که هر یک از آنها در عین ارتباط تنگاتنگ با هم، عهده‌دار تنظیم بخشی از نمای کلان جامعه اسلامی هستند و غفلت

از هر بخش، به نمای کلی آن آسیب می‌رساند و نباید تصور شود این دو دسته احکام بیگانه با یکدیگرند، بلکه احکام متغیر حاصل تلاش نظری و تشخیص اجتهادی حاکم اسلامی برای دست‌یابی به مصالح و منافع و دفع ضررهای محتمل با توجه به شرایط و زمینه‌های موجود است که در ضمن پابندی او به رعایت اصول و مبانی ثابت و لایتغیر به دست می‌آید (صدر، ۱۴۰۸ق، صص ۳۲۰ و ۳۷۸)؛ ثانیاً برای استفاده از ظرفیت منطقه الفراق و اجتهاد، آگاهی از شرایط زمانی و مکانی و اقتضانات و ضرورت‌ها لازم و ضروری است. در عرصه علوم مختلف و از جمله علم دینی که دارای کاربردها و ظرفیت‌های زیادی هستند، برای شناخت شرایط و اقتضانات باید پدیده‌های متفاوت را شناسایی، روابط بین آنها را کشف و آثار و نتایج آن پدیده‌ها را تحلیل و تبیین کرد. با این توضیحات به‌خوبی تأثیر علم بر منطقه الفراق و اجتهاد ولی امر مسلمین مشخص می‌شود؛ زیرا ولی امر می‌تواند از خبرگان و نخبگان حوزه‌های مختلف علوم به‌عنوان کارشناس و مشاور استفاده کند تا وقایع آن را برای او آشکار نموده و او نیز بر اساس اصول و مبانی نظری و اجتهادی خود احکام آنها را شناسایی و بیان و زمینه را برای ساماندهی اجتماعی در عرصه‌های مختلف و متفاوت پیش‌بینی کند (همان، صص ۳۷۹-۳۸۱ / حسامی، ۱۳۹۰، صص ۳۳). از سوی دیگر چون شرایط اجتماعی دائماً در تعامل با یکدیگر و با محیط‌های خارجی و پیرامونی و الزامات آنها قرار می‌گیرد، نظام‌های اجتماعی استعداد هر گونه تغییر و تحول در زیرساخت‌ها و روساخت‌ها را پیدا می‌کنند؛ لذا بر کارشناسان و اهل علم و متخصصان رشته‌ها و گرایش‌های مختلف علمی است که دائماً تغییر و تحولات را بر مدار مذهب اسلامی رصد و دوری و نزدیکی پدیده‌ها را با وضعیت مطلوب اندازه‌گیری و در قالب یافته‌های علمی و کارشناسانه تحلیل کنند (صدر، ۱۴۰۸ق، صص ۳۸۱).

نقد و بررسی دیدگاه شهید صدر

نگارنده معتقد است نظریه علم دینی شهید صدر دارای امتیازهای ویژه و نقاط قوت و مطلوبی است؛ اما دچار نقاط ضعف و نارسایی نیز هست؛ لذا نقدهای سازنده و علمی بر آن وارد است که در بخش پایانی این نوشتار بدان‌ها اشاره می‌شود:

الف) نقاط قوت

واقع‌گرایی و کاربرد روش اکتشافی: نظریه شهید صدر در باب علم دینی، در خلأ صورت نمی‌گیرد؛ بلکه ناظر به واقعیت‌های زندگی اجتماعی است. وی به عنوان یک نظریه‌پرداز خیره و اندیشمند معاصر، پژوهش خود را از مسائل واقعی و عینی زندگی آغاز کرده، سپس برای اکتشاف نظریه اسلامی به گردآوری نصوص دینی می‌پردازد و به جای برخورد منفعلانه با نصوص دینی و فهم و تفسیر جزء به جزء آیات و روایات، وارد گفت‌وگو و مواجهه با متن به منزله یک موجود زنده، پویا و پاسخگو می‌شود و تلاش می‌کند راه حل مسائل و واقعیت‌های زندگی را از آن استخراج و اکتشاف نماید (شریفی، ۱۳۹۷، ص ۱۸).

شهید صدر ضمن پرهیز دادن از تفسیر به رأی، برای نظریه‌پرداز نقشی جدی در فرایند اکتشاف قایل است و با توجه به نقش مبانی اعتقادی و جهان‌بینی پژوهشگر نظریه اسلامی کشف شده را در حقیقت محصول و بازتاب اجتهادی خاص و معین در فهم آموزه‌های شرعی می‌داند. سه روش نظریه‌پردازی شهید صدر در موضوع علم دینی دارای رویکردی اجتماعی و در مقابل روش اجتهادی مرسوم عالمان اسلامی است که رویکردی فردگرایانه و مبتنی بر کشف دلالت‌های لفظی و لغوی نصوص دارند. او معتقد است روشی که برای کشف نظریه علم دینی بیان می‌کند، رویکردی اجتماعی دارد و هدف آن، کشف نظریه





اسلامی در عرصه‌های مختلف علمی و حیات بشری است (صدر، ۱۴۲۹ق، ص ۷۹).
دیدگاه شهید صدر در حوزه علم دینی جزو دیدگاه‌های پیشکسوت است که دارای انسجام و توانایی خاصی است؛ به گونه‌ای که می‌توان آغاز فرایند و پایان آن را شناخت و تحلیل کرد؛ زیرا هم از کلی‌گویی‌های متداول به دور است و هم به‌خوبی توانست به صورت عملیاتی در عرصه اقتصاد و مباحث اجتماعی ظهور یابد.

ب) نقاط ضعف

شهید صدر به مبانی معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی در تولید علم دینی اشاره بنیادین و تفصیلی ندارد. هرچند توجه به مبانی هستی‌شناختی و اجتماعی برای کشف نظریه اسلامی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی، یکی از نقاط قوت دیدگاه شهید صدر است، ولی کافی نیست؛ برای مثال عقل را جزو منابع دین دانستن یا ندانستن و معرفت تجربی را حجت دینی دانستن یا ندانستن، نقشی جدی در فرایند اکتشاف نظریه از منابع و متون دینی ایفا می‌کند که در نظریه علم دینی شهید صدر جای آنها خالی است و هیچ اشاره‌ای بدان‌ها نکرده است.

شهید صدر علم را قابل اتصاف به اسلامی و غیر اسلامی نمی‌داند و معتقد است علم به دنبال کشف واقعیت است و واقعیت هم اسلامی و غیر اسلامی ندارد. اما این سخن درست نیست؛ زیرا اولاً اسلامی و غیر اسلامی دانستن علم مستلزم اسلامی یا غیر اسلامی دانستن واقعیت نیست و در واقعیت، اسلامی و غیر اسلامی بودن آن معنا ندارد؛ همچنین نوع نگاه به واقعیت، اسلامی و غیر اسلامی دارد. از آنجا که علم ابزاری برای کشف واقعیت است و مبتنی بر دسته‌ای از مفروضات بنیادین، روش‌ها و غایات است،



همگی اسلامی و غیر اسلامی دارند. ثانیاً انحصار علم به توصیف غیر واقع‌بینانه است. علوم انسانی نه تنها بعد توصیه‌ای و تجویزی نیز دارند، ابعاد توصیفی آنها مقدمه‌ای برای توصیه و تجویز است (ر.ک: شریفی: ۱۳۹۷، ص ۲۱ - ۲۰).

اشکال دیگر در نظریه علم دینی و اسلامی‌سازی علوم از دیدگاه شهید صدر، تأکید وی بر لزوم گردآوری همه نصوص دینی و فتاوی فقیهان درباره مسئله و موضوع مورد نظر است؛ حتی اگر آن فتاوا به تنهایی مورد قبول خود نظریه‌پرداز هم نباشد. هرچند دیدگاه وی با رویکرد جامع‌نگری مطرح شده است، باز این پرسش مطرح می‌شود که آیا نظریه‌ای که بر اساس این روش استنباط می‌شود، جهت دارد یا خیر و آیا می‌توان به نحو معتبری آن را به دین نسبت داد؟ هرچند برای پاسخ به این اشکال، مطرح شده است که نظریه استنباطی با این روش نیازمند اثبات حجت نیست و آنچه در این نظریه اهمیت دارد کشف سیستم و نظام است نه بیان وظیفه عملی افراد (ر.ک: یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۶۸/ شریفی، ۱۳۹۷، ص ۲۱ - ۲۲).

ایراد دیگری که بر نظریه علم دینی شهید صدر وارد است، جای خالی ضوابط و قواعد فقهی در این نظریه است؛ بدین معنا که اگر همه نصوص دینی ناظر به موضوع مورد بحث را گردآوری و اعتبارسنجی نماییم و به نتیجه برسیم، باز هم نمی‌توانیم به شیوه اطمینان‌آوری آن را به اسلام نسبت دهیم؛ بلکه لازم است سه مرحله دیگر را برای این منظور طی کنیم که در الگوی پیشنهادی شهید صدر ذکر نشده است. این مراحل چنین است: ۱. باید نتیجه به دست آمده را بر ضوابط اسلامی حاکم بر قلمرو مورد بحث عرضه نمود و دانست که منظور از ضوابط اسلامی، هنجارهای کلان ناظر به قلمرو خاصی از حیطه‌های زیست‌انسانی است. ۲. عرضه نتایج بر قواعد حاکم بر زیست انسان است؛



یعنی آن دسته از هنجارهای اسلامی که همه قلمروهای زیست انسانی را پوشش می‌دهند و در همه مصادیق آن جریان دارند، مثل قاعده لاضرر و عدالت. ۳. در مرحله نهایی نتیجه به‌دست‌آمده باید با مقاصد و غایات زیست انسانی از نگاه اسلام سازگار باشد؛ یعنی باید عمل به آن و تلاش در جهت تحقق آن موجب تقرب بیشتر به خدا شود (ر.ک: شریفی، ۱۳۹۵، ص ۵۳۸-۵۷۲ و ۱۳۹۷، ص ۲۲/ مسعودی، ۱۳۹۳، ص ۱۸۷-۱۸۵).

شهید صدر با اینکه بیان نموده است بعد از گردآوری نصوص، فتاوی‌ای همسو، با نگاهی مجموعی به آنها از نظریه اسلامی در عرصه علوم را استخراج می‌کنیم، هیچ قاعده، روش و سازوکاری برای نگاه مجموعی داشتن بیان نکرده و ارائه نموده است.

روش شهید صدر در بیان نظریه علم دینی، متأثر از نگاه پوزیتیویستی مبتنی بر انحصارگرایی روش‌شناختی و طبیعت‌گرایانه‌ای است که در زمان وی، بر فضای فلسفه علم غلبه داشت. او هیچ تفاوتی میان فیزیک، نجوم، اقتصاد و روان‌شناسی قایل نیست. روان‌شناسی را به همان معنا علم می‌داند که فیزیک و نجوم را علم می‌شمارد. همچنین وی روش علمی را منحصر در روش تجربی می‌داند و به همین دلیل معتقد است اقتصاد، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی در صورتی علم خواهند بود که با روش تجربی مطالعه شوند؛ در حالی که این باور صحیح نیست؛ زیرا وظیفه علم کشف واقعیت است و هر روشی که بتواند ما را به این هدف نزدیک کند یا برساند، معتبر است. نیز مسائل علوم انسانی غالباً مسائلی ذوابعد و ذوبطون‌اند و روش تجربی صرف نمی‌تواند همه ابعاد و لایه‌های علوم را برای ما ظاهر و منکشف سازد.

نتیجه‌گیری

شهید صدر از نخستین اندیشمندان اسلامی معاصر است که در حوزه علم دینی با دیدگاهی نوروشی ابداعی ارائه داده و نظریه وی در این عرصه از انسجام و توانایی خاص و مطلوبی برخوردار است، به طوری که می‌توان آغاز و فرایند و پایان آن را شناخت و تحلیل کرد و در حوزه‌هایی مثل اقتصاد، جامعه‌شناسی و سیاست به کار برد. از نگاه شهید صدر روش نظریه‌پردازی اسلامی در حوزه علم دینی، منحصر در روش اکتشافی و به تعبیری حرکت از احکام به سوی کشف مبانی است. شهید صدر کشف و توصیف پدیده‌های عینی و خارجی و روابط بین آنها را بر عهده علم می‌داند که همواره در معرض تغییر و دگرگونی قرار می‌گیرند. وی رسالت اسلام را فراتر از این مسئله دانسته و معتقد است اسلام یک مذهب است نه علم؛ زیرا رسالت آن، طراحی مبانی و چارچوب‌های اساسی ساخت جامعه و بایدها و نبایدهای اصولی و چشم‌اندازی است که جامعه باید در مسیر تعیین‌شده قبلی اصول پذیرفته‌شده به سوی آن حرکت کند.

از دیدگاه شهید صدر علم در گام نخست، متصف به اسلامی و غیر اسلامی نمی‌شود؛ زیرا فقط بیانگر واقعیت‌های خارجی و تجربی است؛ ولی به دلیل ویژگی راهبری، هدایتگری و جهت‌دهی مکتب و تبعیت علم از مکتب، تنها به یک معنا می‌توان از علم اسلامی سخن به میان آورد و آن زمانی است که مکتب اسلام در زندگی واقعی مردم در همه حوزه‌ها محقق شود.

به اعتقاد شهید صدر اگر به دنبال طراحی علم مبتنی بر اسلام هستیم، عالمان علوم مختلف باید پس از تنظیم جامعه اسلامی بر اساس تفکر و مبانی اسلام، آن را از مشاهده جامعه اسلامی استخراج و تنظیم کنند. این علم حاصل تعامل چندجانبه و پویای علوم





مختلف بر پایه مبانی، روابط موجود بین پدیده‌ها در ظرف واقع و نیز غایت و هدف برآمده از اسلام است.

فرایند شکل‌گیری و تولید علم دینی در اندیشه شهید صدر را می‌توان چنین برشمرد: تعیین مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، روش‌شناختی و انسان‌شناختی و رابطه آنها با اسلام.

طراحی اولیه نظریه کلان اسلام با رویکردی اجتهادی از منابع و متون دینی و ظرفیت منطقه الفراغ در عرصه‌های متفاوت به وسیله همه اسلام‌شناسان و کارشناسان مسلمان و متعهد.

عملیاتی‌کردن نظریه اولیه و ساختن جامعه بر اساس آن یافته‌ها که حاکم اسلامی و بازوان مشورتی و اجرایی او عهده‌دار آن هستند.

کشف پدیده‌ها و روابط موجود بین آنها به کمک علوم و عالمان مرتبط در جامعه. تألیف منابع علمی و تدریس آن در مراکز علمی و آکادمیک و توسعه و به‌روزرسانی آنها.

استفاده از ظرفیت منطقه الفراغ به منظور توسعه نظری و پاسخ به ضرورت‌های کشف‌شده به کمک کارشناسان و مشاوران تربیت‌شده در مراکز علمی و آکادمیک علوم مختلف.

تحلیل بازخوردها از پدیده‌های کشف‌شده و روابط موجود بین آنها به کمک علوم و عالمان مرتبط.

توسعه نظریه و مذهب به کمک ظرفیت اجتهاد در منابع و نصوص دینی و ایجاد تغییرات لازم در جامعه و ابعاد متفاوت آن.

روش شهید صدر در ارائه نظریه علم دینی و تولید آن دارای نقاط قوتی چون برخورداری از انسجام و توانایی بالا، میرا از کلی‌گویی‌های متداول، ظهور در عرصه اقتصاد و مباحث اجتماعی به صورت عملیاتی و روش‌مند، واقع‌نگری، بهره‌مندی از نگاه اجتماعی و توجه به نقش نظریه‌پرداز در فرایند اجتهاد است.

دیدگاه شهید صدر در شکل‌گیری و تولید علم دینی دارای ضعف‌ها و نقدهای سازنده نیز هست؛ مانند توجه نکردن به مبانی معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی، عدم امکان علم اسلامی و انکار آن، بی‌توجهی به ضوابط و مقاصد فکر اسلامی، حجت‌دانستن اجتهادهای دیگران، عدم ارائه سازوکاری برای نگاه مجموعی داشتن و تأثیرپذیری از مبانی پوزیتیویستی.





منابع و مأخذ

۱. بهنیا فر، احمد رضا؛ «آسیب شناسی فرهنگ و تمدن اسلامی در زمینه تولید علم در جهان امروز»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اسلامی؛ س ۴، ش ۱۳، ۱۳۸۸.
۲. جوادی آملی، عبدالله؛ **انتظار بشر از دین؛ تنظیم محمدرضا مصطفی پور؛ قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۲.**
۳. —؛ **تفسیر موضوعی قرآن کریم، فطرت در قرآن؛ ج ۱۲، تنظیم محمدرضا مصطفی پور؛ قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.**
۴. حسامی، فاضل؛ «تبیین و تحلیل علم دینی از دیدگاه شهید صدر»، **فصلنامه جاویدان خرد؛ دوره جدید، ش ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.**
۵. خسروپناه، عبدالحسین؛ **راهکار شهید صدر برای اسلامی سازی علوم؛ تهران: شبکه اجتهاد، ۱۳۹۶.**
۶. خسروپناه، عبدالحسین، مهدی عاشوری و حمید پارسانیا؛ **تولید و تکوین علوم انسانی اسلامی؛ ج ۱، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۲، ب.**
۷. خسروپناه، عبدالحسین، ابوالفضل عنابستانی و مهدی عاشوری؛ **اندیشه های حکمی و اجتهادی شهید آیت الله سید محمد باقر صدر؛ ج ۱، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۲، الف.**
۸. دلاور، علی؛ **مبانی نظری و علمی پژوهش؛ تهران: انتشارات رشد، ۱۳۷۸.**





۹. ریتزر، جورج؛ **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**؛ ترجمه محسن ثلاثی؛ تهران: نشر علمی، ۱۳۷۴.
۱۰. سلطانی رنانی، سیدمهدی؛ «تحلیلی بر مفهوم‌شناسی و شاخصه‌های علم دینی در اندیشه علامه جوادی آملی»، **کنگره بین‌المللی توسعه و تعالی علوم بر پایه عقلانیت و حیانی (مجموعه مقالات)**؛ چ ۱، تهران: پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۷.
۱۱. سوزنچی، حسین؛ «علم دینی در ایران»، **فصلنامه پژوهش‌نامه علوم انسانی اسلامی**؛ قم: جامعه المصطفی ﷺ العالمیه، س ۱، ش ۱، فصل تابستان ۱۳۹۲.
۱۲. شریفی، احمدحسین؛ **روش‌شناسی علوم انسانی اسلامی**؛ تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی، ۱۳۹۵.
۱۳. _____؛ **مبانی علوم انسانی اسلامی**؛ تهران: چ ۱، آفتاب توسعه، ۱۳۹۳.
۱۴. _____؛ «روش نظریه‌پردازی اسلامی در علوم انسانی از منظر شهید صدر (تبیین و نقد)»، **فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی**؛ س ۱۴، ش ۵۲، فصل بهار ۱۳۹۷.
۱۵. صدر، سیدمحمدباقر؛ **ائمه اهل بیت و دورهم فی تحصن الرساله الاسلامیه**؛ قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر، ۱۴۲۷ق.
۱۶. _____؛ **الاسلام یقود الحیاه**؛ ج ۲، قم: دار الصدر، ۱۳۸۲.
۱۷. _____؛ **الاسلام یقود الحیاه المدرسه الاسلامیه، رسالتنا**؛ قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر، ۱۴۲۹ق.
۱۸. _____؛ **اقتصادنا**؛ بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.



١٩. —؛ «اقتصادنا»، المجموعة الكاملة لمؤلفات السيد محمد باقر الصدر؛ ج ١٠، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، ١٤١٠ق، الف.
٢٠. —؛ اقتصاد ما؛ ترجمه عبدالعلی اسپهبدی و سیدمحمد کاظم موسوی بجنوردی؛ تهران: مؤسسه انتشارات اسلامی، ١٣٥٠.
٢١. —؛ رسالت ما؛ ترجمه محمدتقی رهبر؛ تهران: روزبه، [بی تا].
٢٢. —؛ «روند آینده اجتهاد»، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت (ع)؛ س ١، ش ١، فصل بهار ١٣٧٤.
٢٣. —؛ الفتاوی الواضحه وفقاً لمذهب أهل البيت (ع)؛ بيروت: دار التعارف للمطبوعات، ١٤٠٣ق.
٢٤. —؛ «المدرسة الاسلاميه»، المجموعة الكاملة لمؤلفات السيد محمدباقر الصدر؛ ج ١٣، بيروت: دار التعارف، ١٤١٠ق، ب.
٢٥. —؛ «المدرسة القرآنية»، المجموعة الكاملة لمؤلفات السيد محمدباقر الصدر؛ ج ١٣، بيروت: دار التعارف، ١٤١٠ق، ج.
٢٦. —؛ نخبة من الباحثين: دراسات في حياته وفكره؛ بيروت: مؤسسه دار الاسلام، ١٤١٦ق.
٢٧. —؛ ومضات؛ قم: مركز الابحاث و الدراسات التخصصيه للشهيد الصدر، ١٤٢٨ق.
٢٨. طباطبائی، سیدمحمدحسین؛ الميزان في تفسير القرآن؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ١٤١٧ق.
٢٩. قوامی شیرازی، محمد بن ابراهیم (صدرالمتألهين)؛ الحكمة المتعالية في الاسفار

العقلية الاربعة؛ قم: مكتبة المصطفوي، ۱۳۶۸.

۳۰. كوهن، تامس. س؛ ساختار انقلاب های علمی؛ ترجمه احمد آرام؛ تهران: سروش، ۱۳۶۹.

۳۱. مسعودی، عبدالهادی؛ روش فهم حدیث؛ ج ۹، تهران: سمت، ۱۳۹۳.

۳۲. یوسفی، احمدعلی؛ ماهیت و ساختار اقتصاد اسلام؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹.

۶۸

